

بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه)

علی مرادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰، تاریخ تایید: ۹۹/۰۱/۲۹

Doi: 10.22034/jcsc.2020.82405.1556

چکیده

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه مدنی و از جمله ویژگی‌های توسعه‌یافتگی است که در هر جامعه‌ای افراد و نهادهای دولتی و غیردولتی با تأکید بر تبعیت از قوانین مدنی جامعه، آموزه‌های ارزشی و هنجاری مطابق با فرهنگ همان جامعه را از دوران کودکی به وسیله ارتباطات اجتماعی، تعامل‌پذیری و کنش‌های متقابل اجتماعی رو در رو به صورت‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش می‌دهند، این فرآیند، منجر به توسعه پایدار جامعه می‌گردد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می‌باشد. این مطالعه، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و تکنیک پیمایش انجام پذیرفت. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه انجام گرفت، سپس برای پردازش و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 استفاده گردید. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد بین سن، جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون، نشان می‌دهد متغیر هوش فرهنگی راهبردی با بتای $\beta = 0/356$ بیشترین مقدار واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است و در مرتبه دوم، متغیر مقطع تحصیلی با بتای $\beta = 0/354$ ، متغیر هوش فرهنگی انگیزشی با $\beta = 0/235$ ، متغیر هوش دانشی با $\beta = 0/146$ و در پایان متغیر هوش فرهنگی کلامی با $\beta = 0/121$ قرار دارد.

واژگان کلیدی: هوش فرهنگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دانشجویان، دانشگاه.

^۱دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران
moradi.pop@gmail.com

بیان مسئله

مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ که باید آن را بایدها و نبایدهای ارزشی و فلسفی و معیار درستی و نادرستی رفتار شخص نسبت به خود و دیگران تعریف کرد، یکی از ویژگی‌های توسعه‌یافتگی است (میرکمالی، ۱۳۸۳: ۲۰). امروزه مسئولیت‌پذیری، به‌مراتب فراتر از حوزه فعالیت و تأثیر خود در گذشته که «انسان‌دوستی» بود گام می‌نهد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در عرصه کسب‌وکار برای رسیدن به توسعه پایدار، در مورد ارائه راه‌حل‌های پیشگیرانه برای چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و عرصه‌هایی از این دست نقش و جایگاه خود را پیدا کرده است. از آنجا که جوامع در حال پیشرفت، نیازمند افرادی مسئول و خودکفا می‌باشند، بنابراین انسان‌های امروزی بیش از پیش باید مسئولیت زندگی و سرنوشت خود را بپذیرند (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۶).

آلن و مینتروم^۲ (۲۰۱۰: ۴۴۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی را توانایی نظم‌دادن به تفکرات، احساسات و رفتار همراه با اراده برای در نظر گرفتن خود به‌عنوان مسئول انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند و پیامدهای فردی و اجتماعی آنها تعریف کرده‌اند (مرگلار، ۲۰۰۷: ۱۷). آدلر^۳ مسئولیت‌پذیری را نشانه سلامت روان افراد می‌داند (سعادت‌ی زحمتکش، ۱۳۸۵: ۱۲). چیبات^۴ مسئولیت اجتماعی را نتیجه فرایند یادگیری توسعه می‌داند که این فرایند از طریق افرادی است که با هوشیاری خود می‌توانند، محیط را به‌شیوه‌ای تغییر دهند که ارزش‌های اجتماعی آنها را منعکس می‌کنند (چیبات^۴، ۱۹۸۶: ۵۶).

دینی (۱۳۸۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی را توانایی ابراز خود به‌عنوان فردی همکار، کمک‌رسان و سازنده در گروه‌های اجتماعی تعریف کرده است (خش‌چیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به‌معنی متعلق بودن انتخاب‌ها به خودمان و برخورد صادقانه با آزادی است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شامل ملاحظه کردن دیگران و سرزنش نکردن آنان بابت مشکلات شخصی نیز می‌باشد (شارف^۵، ۱۹۹۶: ۸۶). با توجه به تعاریف مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، میزان تعهد و حس تعلق فرد را نسبت به سایر افراد جامعه نشان می‌دهد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، یک نوع احساس تعهد و التزام

1 Social Responsibility

2 Allen and Mintrom

3 Adler

4 Chibat

5 Sharf

درونی در قبال جامعه و دیگران است که توأم با الزام اخلاقی در فرد و در جهت تعالی و رشد جامعه رخ می‌دهد.

با اندکی تعمق می‌توان دریافت، علت اساسی بی‌توجهی به دردها و نابسامانی‌ها، عدم نظارت عمومی، وجود تکیه‌های فکری خطرناک نیست، بلکه ناشی از بی‌مسئولیتی یا فرار از مسئولیت و شانه خالی کردن از زیر بار آن است. بنابراین امروزه، چه بسا افرادی را شاهدیم که از خود سلب مسئولیت می‌کنند تا خود را از کشمکش‌های ذهنی رهایی بخشند و خویش را از قید تلاش‌ها و فعالیت‌های خسته‌کننده، نجات دهند؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری به انسان‌ها کمک می‌کند که مسئولیت احساس، شناخت و رفتار خود را بپذیرند و هم‌چنین بپذیرند که خودشان مسئولیت سلامتی، موفقیت، ارتباط با دیگران و ارتباط با محیط هستند (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۴). از طرفی دیگر، انسان موجودی اجتماعی است که از لحظه تولد تا آخر عمر، در اجتماع به سر می‌برد و همواره در تعامل با انسان‌های دیگر است. وی همواره باید بیاموزد که چگونه در جمع زندگی کند و نیازهای خود را ارضا نماید. این امر نیازمند یک‌سری مهارت‌های اجتماعی است که فرد، طی یادگیری و جامعه‌پذیری آنها را فرا می‌گیرد و یادگیری درست آنها می‌تواند به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود (ایمان و جلائیان بخشنده، ۱۳۸۹: ۲۰). بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا هوش فرهنگی دانشجویان می‌تواند بر میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنها تأثیر بگذارد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد، می‌تواند تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های متعددی قرار بگیرد؛ در این راستا تأثیر هوش فرهنگی افراد می‌تواند قابل مطالعه و بررسی باشد. مفهوم هوش فرهنگی، برای نخستین بار توسط ارلی و انگ مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (ایرلی و انگ^۱، ۲۰۰۳: ۵۲). آنها معتقد بودند در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی جدید، به‌زحمت می‌توان علائم و نشانه‌های آشنایی یافت که بتوان از آنها در برقراری ارتباط سود جست. در میان مهارت‌های مورد نیاز بشر در هزاره سوم، توانایی تطبیق مستمر با افرادی از فرهنگ‌های مختلف و توانایی اداره ارتباطات بین فرهنگی امری است که توجه بسیاری از حوزه‌های مختلف علوم انسانی مانند روان‌شناسی، مدیریت و علوم ارتباطات را به خود جلب کرده است. دهکده جهانی نیاز به افرادی دارد که به فرهنگ‌های مختلف آشنا باشند

و بتوانند با سایر ملیت‌ها ارتباط سازنده برقرار کنند؛ در این راستا، دانشجویان به‌عنوان گروه‌های اجتماعی که در جهت مطالعه و آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی جهان، نیاز دوچندانی به این موضوع و استفاده از آن در راستای اهداف خود دارند؛ به‌عبارت‌دیگر، دانشجویانی که بتوانند با ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت از آنچه که به آنها خو گرفته‌اند روبه‌رو شوند و با آنها ارتباط سودبخش و سازنده برقرار نمایند، افراد موفق‌تری خواهند بود.

بنابراین شناخت این مهم و نقش هوش فرهنگی در افزایش یا کاهش آن می‌تواند زمینه توسعه علمی، اجتماعی، افراد و به تبع آن جامعه را در پی داشته باشد. مطالعه این مسئله هم چنین می‌تواند به توسعه علمی، تدوین فرضیات و اثبات قضایای علمی در سطح نظری کمک مؤثری نماید. شناخت ارتباط بین هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند در سطح دانشگاه و به تبع آن جامعه کمک کند. شناخت ارتباط بین هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند مبنا و الگویی برای مطالعات دیگران و تدوین و طراحی فرضیه‌ها و ابزار پژوهش باشد. از طرفی، با توجه به اینکه دانشجویان؛ آینده‌سازان جامعه و مدیران آینده جامعه هستند و از طرفی هر کدام از آنها نماینده خانواده‌هایی هستند؛ بنابراین توجه به آنها و برنامه‌ریزی در راستای رفتارهای فرهنگی اجتماعی آنها می‌تواند به توسعه سالم جامعه در آینده کمک نماید.

پیشینه پژوهش

رحیمی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین هریک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی، سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، از میانگین نظری، بیشتر است. بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

احمدی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان نگرش دینی و هوش فرهنگی (مورد مطالعه: شهر سنندج) به این نتیجه رسید که سطح هوش فرهنگی شهروندان در شاخص هوش فرهنگی و ابعاد چهارگانه در حد متوسط و متوسط رو به بالا قرار دارد. این، نشان از رضایت‌بخش بودن

وضعیت هوش فرهنگی است. نتایج تحلیلی تحقیق نیز حاکی از ارتباط معنادار و البته معکوس میان نگرش دینی با شاخص هوش فرهنگی و سه بعد از ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی هستند. سبحانی نژاد و آب نیکی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محتوای برنامه‌درسی دوره متوسطه نظری» به روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا به مطالعه پرداختند؛ که به این نتایج دست یافتند. انواع و ابعاد مسئولیت‌های اجتماعی قابل بررسی در محتوای برنامه‌درسی را می‌توان به هفت نوع و سه بُعد تقسیم کرد که شامل مسئولیت‌های؛ دینی - اجتماعی، فرهنگی سیاسی، اقتصادی، شهروندی - اجتماعی، زیست‌محیطی و سازمانی - شغلی در ابعاد سه گانه شناختی، عاطفی و عملکردی بود.

خدابخشی و عابدی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و مقایسه تأثیر شیوه‌های افزایش مسئولیت‌پذیری انضباط مثبت، یادگیری مبتنی بر خود و واقعیت‌درمانی در دانش‌آموزان راهنمایی شهر شهرضا» به مطالعه پرداختند. آنها به این نتایج دست یافتند که آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه انضباط مثبت و واقعیت‌درمانی در پسران و دختران در هر سه نوع سنجش‌والد، دبیر و خود (ارزیابی) و در هر دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری مؤثر بوده است.

نتایج پژوهش میرزایی و دست‌بزرگی (۱۳۸۴) تحت عنوان «بررسی رابطه نوع‌دوستی، حس همدلی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی با شادکامی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز»، نشان داد که بین مؤلفه‌های نوع‌دوستی، حس همدلی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی با شادکامی، رابطه معنی‌دار و چندگانه وجود دارد؛ بنابراین مؤلفه‌های نوع‌دوستی، حس همدلی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی پیش‌بینی‌کننده شادکامی هستند.

راندولف^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «نقش رفتار نوع‌دوستانه، توجه همدلانه و انگیزش مسؤولیت اجتماعی در اهداء خون» نشان داد که نمره انگیزش مسؤولیت اجتماعی و رفتار نوع‌دوستانه مرتبط با فراوانی اهداکننده، افزایش یافته، اما اثرات آن کمتر است. رفتار همدلانه، ارتباطی با دفعات اهدا خون ندارد. اکثر افراد اهداکننده، سطوح بالایی از ویژگی‌های اصلی جامعه‌پسند را دارا بودند (نوع‌دوستی، همدلی و مسؤولیت اجتماعی)، اما این ویژگی‌ها عوامل اصلی مرتبط با تعداد دفعات اهدا خون نیستند.

انگ و داین^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی در بین ۳۳۸ دانشجوی بازرگانی رابطه بین شخصیت افراد و چهار عامل هوش فرهنگی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که

1 Randolph

2 . Ang, & Dyne

وجدان‌گرایی با بُعد فراشناختی هوش فرهنگی، ارتباط معنی‌داری دارد، شادابی و ثبات عاطفی با جنبه رفتاری هوش فرهنگی در ارتباط است، برون‌گرایی با ابعاد دانش، انگیزش و رفتار ارتباط معنی‌داری دارد.

مطالعات مذکور، ما را در طراحی فرضیه‌ها، متغیرها و روش به‌کار گرفته، یاری نموده‌اند و هر کدام تلاشی اندیشمند برای درک مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان تأثیرپذیری آن از ابعاد مختلف هوش فرهنگی بوده‌اند. هر کدام از زاویه‌ای خاص به این مسئله نگاه کرده‌اند، اما هیچ‌کدام به‌صورت مستقیم به رابطه بین دو متغیر مذکور در این مطالعه نپرداخته‌اند و بنابراین بررسی جامع این مسئله، نیاز به تحلیلی جامع دارد؛ از طرفی اندازه‌گیری ابعاد متغیر هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با استفاده از روش‌های آماری چند متغیره ضروری است تا نتایج به‌دست‌آمده واقعاً نشان‌دهنده رابطه هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشد.

مروری بر مباحث نظری

۱- رویکردهای مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

الف) رویکردهای حوزه روان‌شناسی: نظریه رشد اخلاقی کلبرگ شامل سه سطح مختلف اخلاق پیش عرف، اخلاق متعارف و اخلاق پس عرف است. در سطح پیش عرف، قضاوت کودکان بیشتر مبتنی بر اجتناب از مجازات یا کسب پاداش است. در سطح دوم تأکید بر نیازهای اجتماعی است، ارزش‌ها بر علایق شخصی مقدم است (کلبرگ^۱، ۱۹۷۶: ۳۲ - ۳۵). این سطح دو مرحله، انتظارات بین فردی دو جانبه (که ارزش‌های مقبول شخص و مراقبت و وفاداری به دیگران، اساس قضاوت‌های اخلاقی است) و حفظ نظام اجتماعی (که فهمیدن نظم و قانون و عدالت و وظیفه که پایه استدلال اخلاقی است) را شامل است. در مرحله دوم این سطح، فرد مسئولیت‌پذیری را یاد می‌گیرد. رسیدن به سطح سوم، نشان‌دهنده اخلاق واقعی است. او این سطح را در اولویت اول و سپس جامعه را در اولویت دوم قرار می‌دهد. در این مرحله، فرد خود اصولی را انتخاب کرده و به آن پای بند است (اسلت^۲، ۲۰۱۰: ۱۲۹ - ۱۳۱).

به اعتقاد بندورا (۱۹۷۷: ۳۶) انسان موجودی اجتماعی است و رفتار او باید در پرتو روابط اجتماعی بررسی شود (احمدی و جمهری، ۱۳۸۰: ۷۵ - ۷۱). در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری اقدام می‌کند. در یادگیری از راه

1 . Kohlberg

2 . Slote

مشاهده، چهار مرحله یا چهار فرایند وجود دارند؛ توجه، به یادسپاری، بازآفرینی، حرکتی و انگیزش یا تقویت (سیف، ۱۳۸۴: ۲۸۹). بندورا معتقد است، گرچه الگوهای واقعی، در یادگیری نقشی مهم بازی می‌کنند، ولی امروزه با توجه به گسترش تکنولوژی و وسایل صوتی و ارتباطات گسترده، از الگوهای نمادین بیشتر استفاده می‌شود (بندورا، ۱۹۷۷: ۳۸). از آنجا که سومین بعد اساسی جالب توجه در آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بعد رفتاری آن است و در این بعد نیز باید زمینه را برای کسب مهارت‌های اجتماعی لازم برای اقدام به رفتار مسئولانه اجتماعی فراهم کنند، به این ترتیب باید گفت نظریه بندورا منبع جالب توجهی برای تنظیم و ارائه سر مشق‌های رفتار مسئولانه اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی کمک‌دهنده به آن خواهد بود (سبحانی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۵).

ب) رویکردهای حوزه مدیریت و اقتصاد: در زمینه تئوری‌های مرتبط با اقتصاد و مدیریت می‌توان نظریات کارول^۱ و گاریا و مله^۲ را بررسی کرد (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰) که در اینجا به‌طور خلاصه نظریات کارول و وود بیان می‌شود. کارول، مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان یک مفهوم کلی و وسیع در نظر می‌گیرد. او مسئولیت‌پذیری گروهی را به چهار دسته تقسیم کرده است؛ مسئولیت‌پذیری گروهی اقتصادی، مسئولیت‌پذیری قانونی و مشروع، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اختیاری (کارول، ۱۹۹۹: ۲۶۹؛ احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). بر طبق نظریه وود، می‌توان مسئولیت‌پذیری را به سه دسته تقسیم کرد؛ نهادی که برگرفته از تمایلی برای حفظ مشروعیت به‌عنوان عاملی مسئول در یک محیط مشترک است، مسئولیت‌پذیری سازمانی که در آن مسئولیت‌پذیری جمعی نتایج مربوط به حوزه‌های اولیه و ثانویه اشتغال را شامل می‌شود، مسئولیت‌پذیری فردی که در آن انتخاب‌های فردی مدیران و مسئولیت‌پذیری شخصی آنها و همچنین تمایلات آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. از نظر وود باید سه عامل را برای مسئولیت‌پذیری در نظر گرفت: محیط، افراد ذی‌نفع و مدیریت مسائل (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

ج) رویکردهای حوزه زیست‌شناسی: بسیاری از مردم بدون آگاهی دست به تخریب محیط‌زیست می‌زنند که پیامد آن بحران محیط‌زیست است. استفاده بی‌رویه از این منابع می‌تواند به‌نوعی با به فراموشی سپردن نسل‌های آینده، اسراف در استفاده از منابع موجود باشد که افراد در برابر این

1 Carroll

2 Gareia and meleh

بحران مسئولیت دارند. اگرچه مسئله زیباشناختی در تولید از اصول بااهمیت است، اما پرداختن به مسائلی چون حفظ محیط طبیعی که همگان از آن بهره می‌برند یا پرداختن به امنیت محصول در تولید، به حیات انسان‌ها ربط پیدا می‌کند (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۷۰).

در این حوزه، نظریات واینر و بیرهوف^۱ (۱۹۸۰-۲۰۰۱) قابل بررسی است. با اعتقاد به اینکه قوت و ضعف احساس مسئولیت، پیش‌زمینه‌ای مهم برای رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب محیطی (معضلات زیست‌محیطی) است، نظریه «رفتار اجتماعی مبتنی بر مسئولیت» خود را ارائه می‌دهد. این نظریه بر این پایه استوار است که «نسبت‌دادن مسئولیت، موجب بروز واکنش عاطفی می‌شود که این خود عامل اصلی ظهور رفتارهای مثبت و منفی اجتماعی و محیطی است» (به نقل از قضاوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۴). بر مبنای دانش نظری و تجربی موجود دربارهٔ معضلات زیست‌محیطی و با انجام دادن پژوهش‌های مرتبط با آن، مطالعات واینر را بسط داد. او بیان می‌دارد که معضلات زیست‌محیطی، ناشی از رفتار نامطلوب محیطی افراد است که بر اثر ضعف احساس مسئولیت زیست‌محیطی در دوران کودکی در افراد به وجود می‌آید (به نقل از قضاوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

طبق نظریه همدلی - نوع‌دوستی واتسون^۲ شخصی که شاهد یک موقعیت اضطراری است، در او همدلی برانگیخته می‌شود و این انگیزه او را وادار به دخالت و ارائه کمک می‌کند و به این خاطر که کمک به دیگران خوشایند است و شخص از این کار احساس خوبی پیدا می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۹). واتسون معتقد است که تحت سه نوع از شرایط خاص، خود را به جای دیگران گذاشتن و واکنش‌های توأم با همدلی تسهیل می‌شود: مشاهده‌گر شخصاً در گذشته تجارب مشابهی داشته است و به همین دلیل، درک عمیق‌تری از شرایط فرد نیازمند به دست می‌آورد. دوم اینکه مشاهده‌گر به فرد آسیب‌دیده وابسته است، این وابستگی ممکن است بر اساس روابط خانوادگی، دوستی یا احساسات عاشقانه استوار باشد و در نهایت دیگران به مشاهده‌گر آموخته‌اند که شرایط افراد نیازمند را در ذهن خود مجسم کند و یا شخصاً در این زمینه تلاش کرده است. چنین آموزش‌هایی، مستقیماً موجب تشدید احساس همدلی می‌شود و شخص به راحتی می‌تواند خود را به جای دیگری بگذارد (به نقل از بیرهوف، ۱۳۸۷: ۳۴).

د) رویکردهای حوزه جامعه‌شناسی: نظریه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به دو دسته نظریه‌های خردنگر و کل‌نگر تقسیم کرد. نظریه‌های خردنگر، شکل‌گیری مسئولیت

1 . Vainer Birhoph

2 . Watson

پذیری اجتماعی را به عوامل فردی و به موقعیت کنشگر نسبت می‌دهند. در مقابل نظریه‌های کلان‌نگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بر اساس خصوصیات و عوامل ساختاری، تبیین می‌کنند. بیرهوف (۱۳۸۷: ۲۳)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی عالی در افراد می‌دید که در روابط با دیگران و در موقعیت‌های گوناگون و در عمل خود را نشان می‌دهد. به‌زعم وی، داوطلبانه بودن عمل مسئولیت اجتماعی است که به آن ارج و منزلتی بالا می‌بخشد. از نظر وی، در مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم گشته که این امر، برای برقراری روابط مبتنی بر همدلی، توجه به حقوق دیگران و به‌طور کلی نظم اجتماعی دارای اهمیت است.

میلر^۱، در کتاب «کنش اجتماعی» از دو نوع کنش فردی و اجتماعی یاد کرده و اظهار می‌دارد؛ که مسئولیت‌پذیری و اخلاق مسئولیت‌لازمه کنش جمعی است. وی ضمن اشاره به سه نوع مسئولیت یعنی مسئولیت طبیعی، مسئولیت مبتنی بر نقش و مسئولیت اخلاقی، توجه به حقوق را اصلی‌ترین عنصر در آنها می‌داند. به‌زعم میلر، عامل وابستگی افراد به یکدیگر و درگیری آنها در امور گوناگون جامعه، عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد (میلر، ۱۹۹۷: ۱۱۶).

و بر^۲، فرد و کنش او را به‌عنوان واحد اساسی تحلیل خود در نظر می‌گرفت. او در این راستا از چهار نوع کنش اجتماعی یاد می‌کرد؛ که عبارت‌اند از: کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف به هدف. از نگاه و بر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق و نوع‌دوستی به‌عنوان یک ارزش برجسته می‌باشند. از این رو، است که ماکس و بر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت‌می‌دانست و مهم‌ترین خصلت آن را آزادی و آزاد بودن فرد عنوان می‌کرد (مرادی، ۱۳۹۱: ۹۷).

پارسونز^۳ (۱۹۵۱)، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌دانست که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. وی مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد و نهادها را به‌منظور انتظام بخشیدن به نظام اجتماعی مهم می‌دید. پارسونز در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزاء خردتر تجزیه می‌کند. از نظر پارسونز، هریک از این اجزاء، در دادوستد با اجزاء دیگر قرار دارند و در این میان ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع

1 Miller

2 Weber

3 Parsons

نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کنند. پارسونز اظهار می‌دارد که در درون هر یک از خرده نظام‌ها، کنشگران با توجه به نقش‌های خود ایفای نقش می‌کنند. تعهد یا همان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران اجتماعی در قالب این موقعیت‌های اجتماع جامعه‌ای جایی که عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۲ و چلبی، ۱۳۷۵: ۹۶ - ۸۶).

پارسونز، با تأکید بر عام‌گرایی آن را به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی می‌خواند؛ که منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران می‌شود. عام‌گرایی یکی از عناصر ساختی نظام کنش در فرایند انتخاب‌های دوتایی است که کنشگران در موقعیت انجام عمل می‌بایست. بر اساس استانداردهای هم‌نقش، با دیگران برخورد نمایند. این نوع عمل و تصمیم‌گیری، نقطه مقابل خاص‌گرایی خواهد بود که در آن دامنه قضاوت و عمل محدود به کنشگران آشنا می‌باشد (استونر^۱، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

دورکیم^۲ (۱۳۸۱) بر اهمیت اخلاق اجتماعی یا مدنی برای دور ماندن جامعه از بی‌هنجاری تأکید داشت. دغدغه اساسی وی دست یافتن به همبستگی و نظم جدیدی بود که با توجه به شرایط صنعتی عصر مدرن راهگشا باشد؛ بنابراین از دو نوع همبستگی سخن می‌راند؛ همبستگی مکانیکی که مختص جوامع ماقبل مدرن بود و روابط بر اساس نظام عقاید و ارزش‌ها و سنت‌های مشترک شکل می‌گرفت. در این نوع از جوامع وجدان جمعی از اهمیت بالایی برخوردار بود. در مقابل، در همبستگی ارگانیکی که مختص جوامع کنونی است، نظام تقسیم کار گسترده‌تر گشته و روابط افراد بر اساس هنجارهایی که قراردادهای حاکم است، توسعه می‌یابد. دورکیم، علاوه بر عوامل ساختاری، بر لزوم کنترل و الزام‌های درونی نیز تأکید داشت. او این مهم را از طریق بسط نظام‌های اعتقادی و دینی در جامعه ممکن می‌دانست (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۸).

هر چند بر نیروهای حرفه‌ای و تخصصی برای جذب افراد در خود در دوران مدرن نیز تأکید داشت. به‌زعم وی، کاهش در اعتقادات و دین‌داری افراد، زمینه بی‌هنجاری اجتماعی را فراهم می‌سازد، پس با توجه به آنها می‌توان از بی‌هنجاری در جامعه کاست؛ به‌عبارت‌دیگر، داشتن التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران تأثیر اساسی دارد.

1 Estoner

2 Durkhiem

۲- هوش فرهنگی و نظریه‌های مرتبط با آن

واژه «هوش فرهنگی» نخستین بار، توسط ایرلی و انگ^۱ (۲۰۰۳ - ۲۰۰۴) از محققان «مدرسه کسب‌وکار» لندن سال ۲۰۰۳ میلادی مطرح شد و به‌عنوان نظریه جدیدی در دنیای مدیریت و روان‌شناسی سازمانی پدیدار گشت. این دو «هوش فرهنگی» را به «قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها» تعریف کرده‌اند. هوش فرهنگی نوع بدیعی از هوش است که ارتباط زیادی با محیط کاری متنوع فرهنگی دارد. «هوش فرهنگی» در واقع، تعریف «هوش» در عرصه فرهنگ است. هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا تشخیص دهند دیگران چگونه فکر می‌کنند و چگونه به الگوهای رفتاری پاسخ می‌دهند، راحت‌تر عمل کردن با توجه به شرایط محیطی است (فیاضی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۱). بزرگ‌ترین درمادگی انسان، ناتوانی در دستیابی به همکاری و تفاهم با دیگران است. هوش فرهنگی یکی از کاراترین ابزارها برای انجام اثربخش وظایف در محیط‌های دارای تنوع فرهنگی می‌باشد. ویژگی‌های شخصیتی، نسبتاً پایدار هستند و این ویژگی‌ها الگوهای پایداری از این دسته هستند که طرز فکر، احساس و رفتار افراد چگونه است. پژوهش‌های جدید بر مدل‌های چند عاملی شخصیت‌های میان فرهنگی تمرکز دارند که استدلال می‌کند بیشتر شخصیت‌ها را بر اساس چندین ویژگی عمومی دسته‌بندی کرد. ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی، پایداری عاطفی، ابتکار اجتماعی، دلپذیر بودن، آمادگی و فراخی تجربه‌کردن مسائل، همدلی فرهنگی و برون‌گرایی (دیگمن^۲، ۱۹۹۰: ۴۲۳). هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا تشخیص دهند دیگران چگونه فکر می‌کنند و چگونه به الگوهای رفتاری پاسخ می‌دهند، در نتیجه، موانع ارتباطی بین فرهنگی را کاهش و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی می‌دهد.

ابعاد هوش فرهنگی از نظر ایرلی و انگ

هوش فرهنگی راهبردی - فراشناختی: این استراتژی، بیانگر فرایندهایی است که افراد برای کسب و درک دانش فرهنگی به‌کار می‌برند. این امر، زمانی اتفاق می‌افتد که افراد در مورد فرایندهای فکری خود و دیگران قضاوت می‌کنند. استراتژی هوش فرهنگی، شامل تدوین استراتژی پیش از برخورد میان فرهنگی، بررسی مفروضات در حین برخورد و تعدیل نقشه‌های ذهنی در صورت متفاوت بودن تجارب واقعی از انتظارات پیشین است.

1 Earley and Ang

2 Digman

هوش فرهنگی شناختی - دانشی: این دانش بیانگر درک فرد از تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی است و دانش عمومی و نقشه‌های ذهنی و شناختی فرد از فرهنگ‌های دیگر را نشان می‌دهد. جنبه دانشی هوش فرهنگی مشتمل بر شناخت سیستم‌های اقتصادی و قانونی، هنجارهای تعامل اجتماعی، عقاید مذهبی، ارزش‌های زیبایی‌شناختی و زبان دیگر است.

هوش فرهنگی - انگیزشی: بیانگر علاقه فرد به آزمودن فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف است. این انگیزه شامل ارزش درونی افراد برای تعاملات چند فرهنگی و اعتماد به نفسی است که به فرد اجازه می‌دهد، در موقعیت‌های فرهنگی مختلف به صورتی اثربخش عمل کند.

هوش فرهنگی - رفتاری: این رفتار قابلیت فرد برای سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیرکلامی را در بر می‌گیرد که برای برخورد با فرهنگ‌های مختلف مناسب هستند. رفتار هوش فرهنگی مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری منعطفی را شامل می‌شود که در موقعیت‌های مختلف به کار می‌آیند و متناسب با یک تعامل خاص یا موقعیت ویژه از قابلیت اصلاح و تعدیل برخوردارند (ایرلی و آنگ، ۲۰۰۳: ۵۵).

نظریه روان‌شناسی بین‌فرهنگی

ارلی و موساکوفسکی^۱ هوش فرهنگی را مشتمل بر سه جزء دانسته‌اند: شناختی، فیزیکی و احساسی، انگیزشی. هرچند که تمام افراد در هر سه زمینه به یک اندازه، توانمند نیستند، اما هریک از قابلیت‌ها بدون دو قابلیت دیگر به‌طور جدی با مانع مواجه می‌شود (ارلی و موساکوفسکی، ۲۰۰۴: ۱۴۰). ارلی و موساکوفسکی بر مبنای نتایج حاصل از یک پیمایش که در ۶۰ کشور مختلف و در میان ۲۰۰۰ نفر از مدیران به انجام رسیده است، نشان داده‌اند که هرچند سهم اندکی از هوش فرهنگی را می‌توان ذاتی و درونی تلقی کرد، اما بی‌تردید بخش یا سهم مهمی از هوش فرهنگی هر فرد ناشی از آموزش و یادگیری است. مدل مراحل شش‌گانه ارلی و موساکوفسکی را می‌توان دارای سه مرحله اساسی دانست هرچند که آنان خود از شش گام صحبت کرده‌اند. این مراحل شامل ارزیابی اولیه از هوش فرهنگی افراد، ارائه آموزش متناسب با نیاز هریک از افراد ارزیابی شده و در نهایت ارزیابی مجدد از هوش فرهنگی افراد می‌شوند. با توجه به نتایج حاصل از ارزیابی مجدد، این مرحله می‌تواند پایان برنامه آموزشی و یا آغاز برنامه آموزشی جدید باشد.

1 Earley & Mosakowski

- مراحل شش‌گانه تقویت هوش فرهنگی از دیدگاه ارلی و ماساکوفسکی به شرح زیر است:
- (۱) گام اول: با استفاده از آزمون هوش فرهنگی، نقاط قوت و ضعف افراد مشخص می‌شود تا بر اساس آن بتوان برای مراحل بعد برنامه‌ریزی کرد.
 - (۲) آموزش‌هایی برای فرد تدارک دیده می‌شود که بر نقاط ضعف وی تمرکز دارد. به‌عنوان مثال فردی که در بعد فیزیکی هوش فرهنگی ضعف دارد، در یک کلاس رفتاری مشارکت می‌کند. کسی که در بعد شناختی هوش فرهنگی ضعف دارد، در یک دوره برای تقویت استدلال قیاسی و توان تحلیل مشارکت می‌کند.
 - (۳) لازم است افراد در یک دوره آموزش عمومی مشارکت داده شوند. مثلاً اگر در ابعاد انگیزشی نقاط ضعفی وجود دارد، مناسب است مجموعه‌ای از تمرین‌ها را برای افراد تعریف کرد. مثل اینکه اگر قرار است با فردی از فرهنگ بیگانه مصاحبه‌ای انجام شود، مراحل این مصاحبه و چگونگی آن آموزش داده شود.
 - (۴) لازم است تا یک ارزیابی واقع‌گرایانه از مجموعه منابعی که در اختیار داریم داشته باشیم. به‌عنوان مثال، در نقش یک مدیر، مشخص کنیم که آیا دارای افرادی با مهارت‌های لازم برای اجرای دوره آموزشی خاصی در واحد سازمانی خود هستیم یا خیر؟ یک ارزیابی واقع‌گرایانه از حجم کاری و مدت زمانی که برای تقویت هوش فرهنگی در اختیار داریم ضروری است.
 - (۵) فرد در یک محیط فرهنگی که نیازمند شناخت آن است وارد شود.
 - (۶) ارزیابی مجددی از هوش فرهنگی فرد به انجام می‌رسد تا پیشرفت وی را اندازه‌گیری و نقاط ضعف باقیمانده‌اش را تعیین و در جهت رفع آن برنامه‌های آموزشی جدیدی تدارک دیده شود (رضایی کلانتری و معیری، ۱۳۹۴: ۴۷).

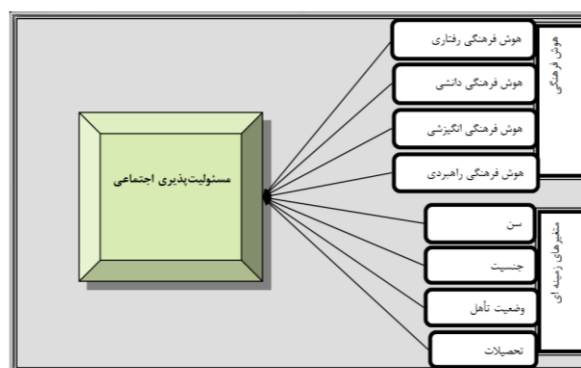
چارچوب نظری پژوهش

آنچه چارچوب نظری این پژوهش بر آن بنا شده است، تلفیق دیدگاه نظری پارسونز و آرلی و آنگ است. نظریه آرلی و آنگ با تأکید بر هوش فرهنگی و دیدگاه پارسونز با تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توانند بهترین تحلیل را در این راستا ارائه دهند. هر یک از این نظریه‌ها توانسته‌اند بخشی از زوایای این مسئله را روشن سازند و هر کدام به یک یا چند عامل از عواملی که موضوع پژوهش را متأثر می‌سازند، پرداخته‌اند.

پارسونز، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌داند که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. وی مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد و نهادها را

به منظور انتظام بخشیدن به نظام اجتماعی مهم می‌دید. پارسونز در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزاء خردتر تجزیه می‌کند. از نظر پارسونز، هر یک از این اجزاء در دادوستد با اجزا دیگر قرار دارند و در این میان، ضمن رفع نیازهای یکدیگر، به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کنند (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۹).

از نظر آرلی و آنگ، هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا تشخیص دهند دیگران چگونه فکر می‌کنند و چگونه به الگوهای رفتاری پاسخ می‌دهند و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی می‌دهد. هوش فرهنگی سازگاری سریع با موقعیت‌های جدید و راحت‌تر عمل کردن با توجه به شرایط محیطی است (فیاضی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۳ - ۴۱). آیرلی و آنگ، ابعاد هوش فرهنگی را در چهار بخش هوش فرهنگی راهبردی - فراشناختی بیانگر فرایندهایی که افراد برای کسب و درک دانش فرهنگی به کار می‌برند. هوش فرهنگی شناختی - دانشی: بیانگر درک فرد از تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی است. هوش فرهنگی - انگیزشی: بیانگر علاقه فرد به آزمون فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف است و هوش فرهنگی - رفتاری: مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری منعطفی را شامل می‌شود که در موقعیت‌های مختلف به کار می‌آیند و متناسب با یک تعامل خاص یا موقعیت ویژه از قابلیت اصلاح و تعدیل برخوردارند (آیرلی و آنگ، ۲۰۰۳: ۵۵). پژوهش‌های گذشته نیز نشان‌دهنده تأثیر عوامل دیگری بر موضوع پژوهش می‌باشد؛ بنابراین این نظریه‌ها بهتر می‌توانند تبیین‌کننده مدل پژوهش باشند.



نمودار ۱: مدل تجربی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین بعد رفتاری هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین بعد دانشی هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین بعد راهبردی هوش فرهنگی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- متغیرهای زمینه‌ای بر میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تأثیر دارند.

روش پژوهش

این مطالعه، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و تکنیک پیمایش انجام پذیرفت. از آنجا که ابزار متناسب با روش پیمایشی پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد، لذا جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته انجام گرفت، به‌خاطر اینکه پرسشنامه، بهتر می‌تواند معرف‌های درجه آخر هریک از مفاهیم و متغیرها را مورد سنجش قرار دهد.

جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می‌باشند که در زمان پژوهش (سال ۱۳۹۳)، تعداد کل آنها برابر ۲۶۹۴ نفر بود. هنجاریابی پرسشنامه با استفاده از عمل پیش‌آزمون و هم‌چنین براساس نظرات استادان راهنما و مشاور در یک مطالعه مقدماتی انجام گرفت. قابل ذکر است که افرادی که در مطالعه مقدماتی به‌کار گرفته شدند، در پرسشنامه نهایی وارد نشدند و لذا تعیین آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش در مطالعه مقدماتی به‌دست آمد.

با توجه به اینکه دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه دارای رشته‌های مختلفی می‌باشد، لذا تفکیک دانشجویان در هریک از رشته‌های فوق ضرورت دارد. از کل جامعه آماری دانشجویان تعداد ۱۷۰۲ نفر در رشته حقوق و علوم سیاسی، ۱۲۴ نفر فیزیک

و ریاضی، ۲۹۵ نفر علوم تربیتی و تربیت بدنی، ۱۷۰ نفر زبان و ادبیات، ۱۰۱ نفر مهندسی شیمی، ۱۳۶ نفر کشاورزی، ۱۶۶ نفر در رشته جغرافیا مشغول به تحصیل می‌باشند.

جدول شماره ۱ وضعیت جامعه آماری و حجم نمونه

رشته	جامعه	نمونه	رشته	جامعه	نمونه
(۱) حقوق و علوم سیاسی	۱۷۰۲	۲۱۲	(۵) مهندسی شیمی	۱۰۱	۱۲
(۲) فیزیک و ریاضی	۱۲۴	۱۵	(۶) کشاورزی	۱۳۶	۱۷
(۳) علوم تربیتی و تربیت بدنی	۲۹۵	۳۷	(۷) جغرافیا	۱۶۶	۲۱
(۴) زبان و ادبیات	۱۷۰	۲۱	جمع کل	۲۶۹۴	۳۳۵

در این پژوهش، از دو روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده به عمل آمد. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، همگن نیست، به ناچار باید در ابتدا جامعه آماری تقسیم شود و از درون هر قسمت، نمونه‌ای متناسب انتخاب گردد. لذا در مطالعه حاضر، ابتدا متناسب با جمعیت رشته‌های مختلف، نمونه مشخص می‌شود و سپس با استفاده از روش تصادفی ساده، دست به انتخاب نمونه موجود در هر گروه زده شد. در انتخاب حجم نمونه از جدول مورگان استفاده به عمل آمد. جهت انتخاب نمونه در این پژوهش سطح خطای ۰/۰۵ و اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شد و تعداد نمونه بر حسب جدول مورگان ۳۳۵ نفر به دست آمد. در پژوهش حاضر، برای به دست آوردن روایی ابزار پژوهش، از روایی صوری استفاده شده است. جهت اعتبار صوری پس از طراحی گویه‌ها و اظهار نظر اساتید و کارشناسان دانشگاه در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب منجر شد. برای به دست آوردن پایایی ابزار پژوهش نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ که در جدول شماره (۲) ضریب آلفای کرونباخ ابعاد متغیرها را نشان داده شده است.

جدول شماره ۲ ضریب آلفای کرونباخ ابعاد متغیرها

متغیرها	تعداد گویه‌ها	میزان آلفای کرونباخ
هوش فرهنگی راهبردی	۴	۰/۷۱
هوش فرهنگی دانشی	۶	۰/۹۲
هوش فرهنگی انگیزشی	۴	۰/۸۰
هوش فرهنگی رفتاری	۴	۰/۸۵
مسئولیت‌پذیری در مقابل دوستان	۴	۰/۷۵
مسئولیت‌پذیری در برابر دانشگاه	۴	۰/۸۵
مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه	۸	۰/۷۰
مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده	۴	۰/۷۴

برای سنجش دو مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی (متغیر وابسته) و هوش فرهنگی (متغیر مستقل) به این صورت اقدام گردید؛

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن را بایدها و نبایدهای ارزشی و فلسفی و معیار درستی و نادرستی رفتار شخص نسبت به خود و دیگران تعریف کرد. در این مطالعه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چهار بعد، براساس دیدگاه پارسونز (مسئولیت‌پذیری در برابر دوستان با ۴ گویه، خانواده با ۴ گویه، دانشگاه با ۴ گویه و جامعه با ۸ گویه) مورد سنجش قرار گرفت.

هوش فرهنگی: قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها. در این مطالعه، هوش فرهنگی در چهار بعد (بعد رفتاری با ۴ گویه، بعد دانشی با ۶ گویه، بعد انگیزشی با ۴ گویه و بعد راهبردی با ۴ گویه) قابل بررسی و مطالعه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۳۵۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌ها قرار گرفتند. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، کلیه اطلاعات لازم، مورد بازبینی قرار گرفته و پس از ساختن دفترچه کد کامپیوتری بر اساس سطوح اندازه‌گیری، متغیرها و گویه‌های مورد نظر کدگذاری و استخراج گردید. در مرحله بعد، کلیه اطلاعات به کامپیوتر منتقل شد و کارهای لازم برای شاخص‌سازی صورت‌گرفت. سپس برای پردازش و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 استفاده گردید.

از لحاظ توصیفی ویژگی نمونه پژوهش بدین شرح بوده است: ۵۲/۵ درصد پاسخ‌گویان زن و ۴۷/۸ درصد پاسخ‌گویان مرد می‌باشند، میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۰ سال بوده از لحاظ وضعیت تأهل ۶۷/۵ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۳۲/۵ درصد متأهل بوده‌اند. از میان پاسخ‌گویان ۹۱/۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۸/۱ درصد در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بودند، هم‌چنین ۶۰/۳ درصد در مرکز استان، ۳۷ درصد در شهرستان و ۲/۷ درصد در روستا سکونت داشتند.

بررسی فرضیات

الف: رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای پژوهش با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

از بین تمام متغیرهای زمینه‌ای، فقط تحصیلات تأثیر معناداری بر روی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد. متغیرهایی مانند سن، جنسیت، محل سکونت و وضعیت تأهل تأثیر معناداری بر مسئولیت‌پذیری نداشت، لذا از آوردن نتایج آن صرف‌نظر شد و نتایج آماری، نشان می‌دهد که میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان دانشجویان مقطع ارشد برابر با (۲/۹۵) بوده و در میان دانشجویان مقطع دکتری (۴/۳۲) بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این مقادیر با یکدیگر تفاوت دارند. یافته‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است که آماره t برابر با (۵/۴۷۵) و سطح معناداری حاصل کمتر از مقدار پذیرفته‌شده (Sig=۰/۰۵) است. پس می‌توان نتیجه گرفت که میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت است و مقطع تحصیلی فرد بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤثر است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر

حسب مقطع تحصیلی

متغیر	مقطع تحصیلی	فراوانی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	آزمون آماری	
				مقدار t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	ارشد	۳۰۸	۲/۹۵	۵/۴۷۵	۰/۰۰۰
	دکتری	۲۷	۴/۳۲		

ب: بین هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده از انجام آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌دار را نشان می‌دهد. در این باره، ضریب همبستگی ۰/۶۱ و سطح معناداری ۹۹ درصد (Sig=۰/۰۰۰) می‌باشد؛ که می‌توان نتیجه گرفت که هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه دارد. پس این فرضیه پژوهش، مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج حاکی از این قضیه است که هر اندازه هوش فرهنگی افراد بیشتر باشد، به تبع آن، میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان در قبال خانواده، دانشگاه، دوستان و سایر افراد بالاتر می‌رود.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی	آزمون آماری
۰/۶۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	Sig
۳۳۳	تعداد معتبر

فرضیه اول: بین بعد کلامی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از جدول شماره ۴ بین دو متغیر بعد کلامی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌دار را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی ۰/۴۹۵ که در سطح معناداری ۹۹ درصد ($Sig=0/000$) مورد قبول می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که بعد رفتاری هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر بعد کلامی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

بعد کلامی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی	آزمون آماری
۰/۴۹۵	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	Sig
۳۳۳	تعداد معتبر

فرضیه دوم: بین بعد دانشی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بعد دانشی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معنی‌دار را نشان می‌دهد. در این باره، ضریب همبستگی ۰/۳۷۳ و سطح معناداری ۹۹ درصد ($Sig=0/000$) می‌باشد؛ که می‌توان نتیجه گرفت که بعد دانشی هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر بعد دانشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی

آزمون آماری	بعد دانشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۷۳
Sig	۰/۰۰۰
تعداد معتبر	۳۳۳

فرضیه سوم: بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون بین دو متغیر بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه معنی دار را نشان می دهد. براساس نتایج همبستگی بین دو متغیر مذکور برابر ۰/۵۱۶ می باشد که در سطح حداقل ۹۵ درصد قابل قبول بوده و می توان نتیجه گرفت که بعد انگیزشی هوش فرهنگی با مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه معناداری دارد.

جدول شماره ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی

آزمون آماری	بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۱۶
Sig	۰/۰۰۰
تعداد معتبر	۳۳۳

فرضیه چهارم: بین بعد راهبردی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر بعد راهبردی هوش فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه معنی دار را نشان می دهد. در این باره، ضریب همبستگی ۰/۶۱۵ و سطح معناداری ۹۹ درصد ($Sig=0/000$) می باشد؛ که می توان نتیجه گرفت که بعد راهبردی هوش فرهنگی با مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر بعد راهبردی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

آزمون آماری	بعد راهبردی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۱۵
Sig	۰/۰۰۰
تعداد معتبر	۳۳۳

تحلیل رگرسیون چندگانه

هدف از کاربرد تحلیل رگرسیون چندگانه، پیش‌بینی و تبیین تغییرات واریانس متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل است. در این پژوهش نیز مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد. در اینجا تأثیرات هوش فرهنگی از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته شده است و سعی شده، رابطه هر بعد با متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مورد سنجش قرار گیرد.

برای پردازش شکل‌های تبیین‌کننده تأثیر متغیر مستقل مورد بررسی در دستگاه رگرسیونی، از روش گام‌به‌گام استفاده شده است. برای آنکه بدانیم آیا خطاها از یکدیگر مستقل هستند یا نه، از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقادیر این آزمون معمولاً بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد. میزان دوربین واتسون در این پژوهش، ۱/۵۹۶ است که نشان‌دهنده استقلال خطاها می‌باشد.

وجود رابطه خطی بین متغیرها: از آنجا که سطح معنی‌داری تحلیل واریانس رگرسیون به‌منظور قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرها کمتر از ۰/۰۵ درصد است. پس فرض خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، تأیید می‌شود. دو آماره VIF و Tolerance برای سنجش هم‌خطی در مدل استفاده می‌شود. Tolerance بالاتر از ۰/۴ بوده است و حداکثر VIF به ۲/۵ نرسیده است؛ بنابراین در این مدل، مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

با محقق‌شدن پیش‌فرض‌های رگرسیونی متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، هوش فرهنگی راهبردی، هوش فرهنگی انگیزشی، هوش فرهنگی کلامی و هوش فرهنگی دانشی، وارد مدل رگرسیونی شدند که از این میان متغیرهای مقطع تحصیلی، هوش فرهنگی راهبردی، هوش فرهنگی انگیزشی، هوش فرهنگی کلامی در مدل رگرسیونی باقی ماندند و متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل از دستگاه رگرسیونی خارج شد. یکی دیگر از مشکلات در

اجرای تحلیل رگرسیون، وجود متغیرهای اسمی است. این قبیل متغیرها باید از حالت اسمی بودن خارج شوند و به صورت تصنعی (مجازی) به متغیرهای فاصله‌ای تبدیل شوند که در این پژوهش، متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت ابتدا به صورت متغیر تصنعی یا مجازی به متغیرهای فاصله‌ای تبدیل کردیم و سپس آنها را وارد مدل رگرسیونی شدند.

جدول ۹ متغیرهای واردشده، خارج شده و باقی مانده در مدل رگرسیونی

متغیرهای واردشده به مدل	متغیرهای باقی مانده در مدل	متغیرهای خارج شده از مدل
سن	-	سن
جنس		جنس
وضعیت تأهل	-	وضعیت تأهل
مقطع تحصیلی	مقطع تحصیلی	-
هوش فرهنگی راهبردی	هوش فرهنگی راهبردی	-
هوش فرهنگی انگیزشی	هوش فرهنگی انگیزشی	-
هوش فرهنگی کلامی	هوش فرهنگی کلامی	-
هوش فرهنگی دانشی	هوش فرهنگی دانشی	-

نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که ضریب تبیین تصحیح شده ۵۳/۹ درصد است؛ یعنی متغیرهای مستقل در این مطالعه، توانسته‌اند ۵۳/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. ۴۶/۱ درصد باقی مانده به وسیله متغیرهایی خارج از این مطالعه قابل تبیین خواهد بود.

جدول ۱۰ ضرایب مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی R	ضریب تبیین	ضریب تبیین تصحیح شده	اشتباه معیار	دوربین واتسون
۰/۷۳۹	۰/۵۴۶	۰/۵۳۹	۰/۴۵۷	۱/۵۹۶

هر چه متغیرهای مستقل، میزان واریانس بیشتری از متغیر وابسته را تبیین کنند، به همان صورت آماره F بزرگ‌تر می‌شود. جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که روابط خطی بین متغیرهای واردشده به آزمون تحلیل واریانس متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی معنادار است.

جدول ۱۱ تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره

ANOVA						
Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات		Method
.۰/۰۰۰	۷۷/۰۹۴	۱۶/۱۱۹	۵	۸۰/۵۹۳	اثر رگرسیونی	Stepwise
		۲۰۹	۳۲۰	۶۶/۹۰۵	باقیمانده	
			۳۲۵	۱۴۷/۴۹۸	کل	

جدول شماره ۱۲ بیانگر ضرایب b و بتای متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است و نشان می‌دهد که ورود هریک از متغیرهای جدید چه تأثیری بر ضرایب سایر متغیرها دارد. با توجه به جدول زیر، می‌توان به این نتیجه رسید که متغیر هوش فرهنگی راهبردی با بتای $Beta=۰/۳۵۶$ بیش‌ترین مقدار واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است و در مرتبه دوم، متغیر مقطع تحصیلی با بتای $Beta=۰/۳۵۴$ ، متغیر هوش فرهنگی انگیزشی با $Beta=۰/۲۳۵$ ، متغیر هوش دانشی با $Beta=۰/۱۴۶$ و در پایان متغیر هوش فرهنگی کلامی با $Beta=۰/۱۲۱$ قرار دارد.

جدول ۱۳ آماره‌های مربوط به متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیونی

آماره‌های هم خطی		sig	t	(Beta)	خطای استاندارد	ضریب (B)	متغیر
VIF	Tolerance						
-	-	۰/۲۴۱	۱/۱۷۴	-	۰/۲۲۱	۰/۲۶۰	مقدار ثابت
۱/۳۵۸	۰/۷۳۶	۰/۰۰۰	۸/۱۰۶	۰/۳۵۶	۰/۰۴۲	۰/۳۴۴	هوش فرهنگی راهبردی
۱/۱۰۷	۰/۹۰۳	۰/۰۰۰	۸/۹۳۰	۰/۳۵۴	۰/۱۰۴	۰/۹۲۹	مقطع تحصیلی
۱/۳۸۵	۰/۷۲۲	۰/۰۰۰	۵/۳۰۰	۰/۲۳۵	۰/۰۳۴	۰/۱۷۹	هوش فرهنگی انگیزشی
۱/۱۰۰	۰/۹۰۹	۰/۰۰۰	۰/۶۹۸	۰/۱۴۶	۰/۰۵۳	۰/۱۹۷	هوش فرهنگی دانشی
۱/۶۴۴	۰/۶۰۸	۰/۰۱۲	۲/۵۱۳	۰/۱۲۱	۰/۰۳۶	۰/۰۹۱	هوش فرهنگی کلامی

بحث و نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به‌گونه‌ای همه‌جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی،

هنری و اخلاقی آنها مشاهده کرد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عامل اتصال و پیونددهنده جوامع و گروه‌های اجتماعی است.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر، به بررسی نحوه تأثیرگذاری هوش فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه پرداخته است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال که آیا بین هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان تحصیلات تکمیلی چه رابطه‌ای وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که بین سن، جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج حاصل از همبستگی، نشان می‌دهد بین بعد کلامی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($r=0/49$) رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه، با نتایج حاصل از مطالعات ون داین (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که افراد با هوش فرهنگی بالاتر، واقعاً از تعامل با افراد از فرهنگ‌های مختلف لذت می‌برند و هم چنین وجدان‌گرایی با بعد فراشناختی هوش فرهنگی ارتباط معنی‌داری دارد. شادابی و ثبات عاطفی با جنبه رفتاری هوش فرهنگی در ارتباط است، برون‌گرایی با ابعاد دانش، انگیزش و رفتار ارتباط معنی‌داری دارد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد. بین بُعد دانشی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($r=0/37$) رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین بُعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($r=0/52$) رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات ون داین (۲۰۰۵) و خدابخشی و عابدی (۱۳۸۵) همسو می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین بُعد راهبردی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($r=0/61$) رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات ون داین (۲۰۰۵) و راندولف (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که همه ابعاد هوش‌های فرهنگی و میزان تحصیلات باهم وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و روی هم‌رفته توانسته‌اند ۵۴ درصد از تغییرات متغیر مسئولیت‌پذیری را تبیین نمایند. این نتیجه، با نتایج حاصل از مطالعات ون داین (۲۰۰۵) و سبحانی نژاد و آب‌نیکی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد.

این نتایج براساس دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی و مخصوصاً بندورا نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری در بعد رفتاری، منوط به کسب مهارت‌های اجتماعی لازم برای اقدام به رفتار

مسئولانه اجتماعی است که افراد می‌توانند در ارتباط با فرهنگ‌های متفاوت کسب کنند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که افراد بتوانند از سیستم معانی فرهنگی خود برای ارتباط و شناخت بهتر مؤلفه‌های فرهنگی در آن فرهنگ‌ها استفاده نمایند. از طرفی، براساس دیدگاه بیرهوف مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی عالی در افراد که نوعی کنترل درونی بر فرد دارد، می‌دید که در روابط با دیگران و در موقعیت‌های گوناگون و در عمل خود را نشان می‌دهد. از طرفی پارسونز نیز به اینکه کنشگر باید در موقعیت انجام عمل، می‌بایست بر اساس استانداردهای هم‌نقش، با دیگران برخورد نمایند، صحه می‌گذارد.

همچنین براساس دیدگاه استرنبرگ هوش فرهنگی توانایی و مهارت ویژه‌ای است که به فرد این امکان را می‌دهد تا در موقعیت‌های چندفرهنگی بتواند به‌طور اثربخش به انجام وظیفه بپردازد. او معتقد است که افراد زیادی با داشتن (IQ) بالا، مهارت‌های اجتماعی مناسب در تعاملات خود شکست می‌خورند که علت اصلی آن پایین بودن هوش فرهنگی می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت هوش فرهنگی، می‌تواند زمینه‌برخوردهای صحیح و به‌دور از هرگونه قضاوت ارزشی (راهبردی فراشناختی)، شناخت هنجارها و ارزش‌های فرهنگی نظام اجتماعی که در آن وارد می‌شود (شناختی دانشی)، ایجاد انگیزه برای ورود به فرهنگ‌های متفاوت و برقراری ارتباط و تعامل سازنده با دیگران (انگیزشی) و به‌کارگیری کردارها و رفتارهای منطقی و قابل‌قبول برای ارتباط موفق (رفتاری) فراهم می‌آورد.

از آنجایی که هوش فرهنگی، مهم‌ترین توانمندی است که می‌توان برای مواجهه مناسب با موقعیت‌های چندفرهنگی به‌کار گرفت، کمک می‌کند با درک سریع و صحیح مؤلفه‌های فرهنگی مختلف، رفتاری متناسب با هریک از آنها بروز دهیم. انسان به‌طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را بر طرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثر آن به حدی است که بدون آن، زندگی لنگ می‌شود و این ارتباطی نزدیک با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد.

به‌طور کلی می‌توان استنباط کرد که تقویت مسئولیت اجتماعی دانشجویان به استحکام و رشد ارزش‌ها، اصول و تعهدات در جامعه و برای خود دانشجویان منجر می‌شود. از آنجا که این مهم در زندگی افراد جامعه هدف اساسی و محوری نظام اجتماعی است، لذا میزان تحقق این هدف شاخص توانمندی نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود.

برنامه‌ریزی، فرایند آگاهانه و سیستماتیک تصمیم‌گیری برای تحقق اهداف دانشگاه است. از این رو، دانشگاه آزاد اسلامی برای پیشرفت و توفیق در عرصه رقابت‌های ملی و بین‌المللی،

نیازمند برنامه‌ریزی است؛ بنابراین مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها باید بخشی از برنامه‌های خود را به آموزش، کلاس‌های تقویتی، بالا بردن سطح دانش عمومی با استفاده از دوره‌های آموزشی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد و دانشجویان را تقویت نمایند. تمرکز مدیران اجرایی جامعه بر برگزاری دوره‌های آموزشی و دعوت از صاحب‌نظران و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در جهت انجام کارگاه‌های عملی و مهارت‌افزایی، می‌تواند در ارتقای روحیه مسئولیت‌پذیری افراد (به‌خصوص دانشجویان) نقش مؤثری داشته باشند. همچنین سپردن مسئولیت‌های غیر حساس به دانشجویان و اعتماد به آنها در انجام پروژه‌های بین‌سازمانی به‌عنوان همکار و دخالت دادن آنها در برگزاری امتحانات و حتی استفاده از مهارت‌های آنها در تدریس، پژوهش و فعالیت‌های نسبتاً ساده در قالب کار دانشجویی، می‌تواند حس اعتماد به نفس را برای آنها تقویت کند و از طرفی آنها را مهیای ورود به دانشگاه و ورود به سازمان‌ها نماید.

همچنین پیشنهاد می‌شود که نظام‌های آموزشی مانند دانشگاه‌ها به‌منظور طراحی و برنامه‌ریزی جهت پیشرفت تحصیلی و ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانشجویان، ابعاد روانی شخصیت و هوش فرهنگی فراگیران را سنجش کنند. در این راستا برگزاری همایش‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و برنامه‌هایی همچون بازدید و گردش علمی و فرهنگی، پژوهش و مسابقات و ارائه فعالیت‌های گروهی پیشنهاد می‌شود.

از طرفی آموزش در مدرسه، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، لذا در سال‌های اولیه، جامعه‌پذیری کودک و هم‌چنین در جریان ارتباط با همسالان در مدرسه آموزش کار گروهی به آنها داده شود و مدیریت تعاملات اجتماعی و مهارت‌های زندگی را فراگیرند. در نهایت اینکه هماهنگی نهادهای اجتماعی در زمینه‌سازی، ایجاد و رشد مسئولیت اجتماعی در دانشجویان به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان تشویق به دوست داشتن هم‌نوع، تمرین وفاق جمعی، همسازي و سازگاري شوند و شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که بتوانند روابط و مناسبات خود را با مردم محکم سازند و رفتارشان بر اساس روحیه جمع‌گرایی و مصالح اجتماعی در عین حفظ منافع فردی باشد.

منابع

- استونر، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه ی مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
- احمدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۸۰) روان‌شناسی رشد ۲، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری. تهران: انتشارات پردیس.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰) نگرش دینی و هوش فرهنگی (مورد مطالعه: شهر سنج)؛ مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۷، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- ایمان، محمدتقی، وجیهه، جلائیان بخشنده (۱۳۸۹) نقش یادگیری مهارت‌های اجتماعی در شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی، جامع‌شناسی کاربردی، صص ۳۳ - ۱۸.
- بهرامی، فاطمه؛ ملکیان، حسین و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۵) بررسی و مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت‌پذیری در بین دانش‌آموزان. دوره راهنمایی شهر اصفهان. فصلنامه آموزه، شماره ۱۷، صص ۴۵ - ۴۸.
- بیرهوف، هانس ورنر، (۱۳۸۷) رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه رضوان صدقی نژاد، تهران، نشر گل آذین.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی دین، تهران. انتشارات سخن.
- جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷) نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم و تحلیل نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- خدابخشی، مهدی و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۸) بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴، مطالعات روان‌شناختی، دوره ۵، شماره ۱؛ صص. ۱۱۴ - ۱۳۷.
- خشچیان ژاله؛ مهران، گلنار و اکبرزاده، نسرین (۱۳۸۹) بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی نظریه بار - ان در کتاب‌های درسی سال اول دوره متوسطه، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۶، شماره ۴؛ صص. ۳۳ - ۵۹.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، تقسیم‌کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، تهران، نشر قلم.
- دینی، فائزه (۱۳۸۱) بررسی ارتباط بین پیشرفت تحصیلی و سبک‌های مقابله با بحران، با هوش هیجانی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- رحیمی، حمید؛ مدنی، سیداحمد و محمدیان، آسیه (۱۳۹۴) بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان، دوره ۵، شماره ۱۴، صص. ۱۰۱ - ۱۲۶.

- رضایی کلانتری مرضیه و معیری، مریم (۱۳۹۴) رابطه هوش فرهنگی با سبک رهبری مدیران مدارس بهشهر، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده ساز، دانشگاه پیام نور نکا.
- سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۷۹) مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در برنامه‌ریزی درسی کنونی - دوره ابتدایی ایران و طرحی برای آینده. پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سبحانی نژاد، مهدی و آبنیکی، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه نظری ایران در سال ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹، اندیشه‌های نوین تربیتی دوره هشتم، شماره ۱، صص. ۵۹ - ۱۰۶
- سعادت، ابوطالب و زحمتکش، زینب (۱۳۸۵) بررسی تأثیر آموزش راهبردهای ان. ال. پی بر میزان سلامت روان و مسؤلیت‌پذیری دانش آموزان شهر بجنورد، پژوهشنامه تربیتی، دوره ۲، شماره ۸، صص. ۱ - ۱۵.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۴) روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات آگاه.
- فیاضی، مرجان و جان‌نثاراحمدی، هدی (۱۳۸۵) هوش فرهنگی، نیاز مدیران در قرن تنوع، ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۷۲، صص ۴۳ - ۴۱.
- قضاوی، منصوره؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ عابدی، احمد و اسماعیلی، مریم (۱۳۸۸) تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی ایران به‌لحاظ معضلات زیست محیطی، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۲۷ - ۱۵۲.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۵) روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات ارسباران. تهران.
- مرادی، گلمراد (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با مسؤلیت‌پذیری اجتماعی کارکنان شرکت نفت کرمانشاه، رساله دکترا تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، گروه جامعه‌شناسی.
- موحد، مجید؛ صالحی، رزگار؛ حسینی، مریم (۱۳۹۲) مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان مسؤلیت‌پذیری در میان نوجوانان شهرهای بانه و قروه، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۹، صص. ۷۹ تا ۹۸.
- میرزایی، علی و دست بزرگی، زهرا (۱۳۹۴)، رابطه نועدوستی، حس همدلی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی با شادکامی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، جلد چهارم، شماره اول، صفحات ۵۱ - ۵۶.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، نقش اخلاق و مسؤلیت اجتماعی در مدیریت آموزشی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و سه ام، شماره ۱، صص ۲۲۱ - ۲۰۱.

- Allen, A. Mintrom, M (2010) Responsibility and School Governance, Educational Policy Originally. Published Online.
- Ang, S. & Dyne, V. L (2005) Conceptualization of cultural intelligence: Definition, distinctiveness, and nomological network. In S. Ang & L. Van Dyne
- Bandura, A (1977) Social Learning Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice _ Hall.
- Bier Hoff, H. W, (2001) Prosocial Behavior. In M. Hewstone & W. Stroebe, (Eds.) Introduction to Social Psychology, (3rd ed) Oxford, Blackwell.
- Carroll, A (1999) "Corporate social responsibility: Evolution of a definitional construct". Academy of Management Review, Vol. 4, pp. 268-296.
- Chebat, J (1986) "Social Responsibility, Locus of Control and Social Class. The journal of social psychology. Vol. 126, pp. 559 _ 561.
- Digman, T. M (1990) Personality Structure: Emergence of the five factor model, Annual Review of psychology, Vol. 41, pp. 417 _ 440.
- Earley, P. C. & Mosakowski, E (2004) "Cultural Intelligence". Harvard Business Review, 82 (10), pp. 139 _ 146.
- Earley, P. C. Ang, S (2003), Cultural intelligence: Individual Interactions across Cultures. Stanford, CA: Stanford.
- Kohlberg, L, (1976) Moral stages and moralization: The cognitive developmental approach. Moral Development and Behavior: Theory ,Research and Social Issues.
- Mergler, A. S, (2007) Relationships between personal responsibility, emotional intelligence and self esteem in adolescents and young adults. The Australian Educational and Developmental Psychologist, Vol. 24, no. 1, pp: 5 _ 18.
- Miller, D. T (1997) Altruism and threat to a belief in a just world, Journal of Experimental Social Psychology, Vol. 13, pp. 113 _ 124.
- Parsons, T. & Shils, E (1951) Toward a General Theory of Action, Cambridge, Mass.
- Randolph, S, (2008) The Role of Altruistic Behavior, Empathetic and social Responsibility Motivation in Blood Donation Behavior. Transfusion, Vol 48 ,pp. 43 _ 54.
- Sharf, Richard. S (1996) Theories of psychotherapy and counseling: concepts and cases, Pacific Grove: Brooks/Cole Pub. Co.
- Slote, M, (2010) Sentimentalist moral education. Theory and Research in Education, 8 (2), Pp. 125.